

رَبَا

مطالعه فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی

دکتر جمال بیگی

(عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه)

مریم شریان سل

(دانشجوی دوره دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناختی)

سرشناسه : بیگی، جمال/۱۳۵۴

عنوان و نام پدیدآور : ربا: مطالعه فقهی، حقوقی و جرم شناختی /

نویسندگان: دکتر جمال بیگی، مریم شیریان نسل

مشخصات نشر : تهران: فانوس دنیا، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری : ۲۳۲ ص. ۳۵۰.۰۰۰ ریال

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۹۷-۴۳-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیا

رده بندی دیویی : ۳۹۷/۳۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۵۸۰۴۱۳۷



WWW.FANOOS-EDONYA.IR
Fanoos.donya@yahoo.com

ربا: مطالعه فقهی، حقوقی و جرم شناختی

مؤلفان: دکتر جمال بیگی، مریم شیریان نسل

طرح جلد: صدیقه شاه میرزایی جشقانی

انتشارات: فانوس دنیا

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۹۷-۴۳-۷

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۳۵۰.۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۱۱	بخش اول: کلیات
۱۱	فصل اول: تعریف مفاهیم
۵۲	فصل دوم: پیشینه تحریم ربا و جرم‌انگاری آن در ایران
	بخش دوم: بررسی جرم‌انگاری ربا در ایران با تکیه بر آموزه‌های فقهی و
۸۰	حقوقی
۸۰	فصل اول: حرام‌انگاری ربا در مبانی فقهی آن
۱۰۸	فصل دوم: جرم‌انگاری ربا و مبانی حقوقی آن
	بخش سوم: بررسی جرم‌زدایی از ربا در ایران با تکیه بر آموزه‌های فقهی،
۱۲۴	اقتصادی و جرم‌شناختی
۱۲۴	فصل اول: حرام‌زدایی از ربا بر پایه آموزه‌های فقهی
	فصل دوم: جرم‌زدایی از ربا بر مبنای دیدگاه‌های ناظر بر عملیات
۱۶۰	بانکداری بدون ربا
۱۸۹	بخش چهارم: ارزیابی مطالب و ارائه راهکار
۱۸۹	فصل اول: ارزیابی مطالب
۲۰۳	فصل دوم: ارائه پیشنهادات

۲۰۹	فهرست منابع و مآخذ
۲۰۹	الف: منابع فارسی
۲۳۳	ب: منابع انگلیسی
۲۳۴	ج: تارنماها

www.ketab.ir

مقدمه

واژه ربا در اصل فارسی به معنای بیشی، افزون شدن، نما کردن و سود یا ربای که دامن از مدیون می‌ستانند، گفته می‌شود. در اصطلاح هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن، عینایی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید ربا را راند بر مبالغ پرداختی دریافت نماید ربا محسوب می‌شود. معنای لغوی ربا مساوی با اصطلاح شرعی آن نیست. زیرا در لغت ربا به مطلق ریادن اطلاق می‌شود، در حالی که به هر زیادی در معاملات و مبادلات ربا گفته نمی‌شود و هر اضافی حرام نیست. ربا در واقع زیادی بر اصل مال است ولی از نظر شرع به زیادی ویژه‌ای اطلاق می‌شود. ربا در فقه اسلامی به دو نوع اصلی ربای معاملی و ربای قرضی تقسیم می‌شود.

ربای معاملی: هر گونه زیادی در معامله دو شیء هم‌جنس و یا معامله‌ای که محتمل بر زیادی یکی از عوضین باشد. ربای معاملی

ممکن است در معامله نقد و نسیه محقق شود. مشهور فقها اعتقاد به عمومیت ربا در معاملات دارند نه این که اختصاص به عقد بیع داشته باشد.

ربای قرضی: رایج‌ترین نوع ربا است. به این صورت که فرد برای تأمین نیاز مالی جهت امور مصرفی یا سرمایه‌گذاری تقاضای قرض می‌کند و در ضمن عقد قرض متعهد می‌شود آن چه را می‌گیرد هر راه با زیادی برگرداند. به‌طور کلی اگر در عقد قرض شرط شود هنگام بازپرداخت بدهی، مقداری به مبلغ قرض افزوده شود، به اجماع علما و اسلام ربا و حرام است.

در بینش فقهاء، فقهی معاصر برای برون‌رفت از حرمت ربا، عنوان «حیله‌های ربا» به چشم می‌خورد. در اصطلاح فقها، حیله به راه چاره‌ای گفته می‌شود که شخص برای فرار از حرمت ربا می‌کوشد از طریق بعضی از معاملات و عقود که ظاهری شرعی دارند به هدف اصلی خود که همانا دریافت زیادی است دست یابد، بی‌آن که در ظاهر مخالفت شرع کند و مستحق عقوبات دنیوی و اخروی رباخواری شود.

اسلام در مورد کسب رزق و مال، پاکی در نیت و مال و نیز پاکی در هدف و وسیله را بر مردم شرط لازم دانسته و ربا را برای اقتصادی دانسته است که رشدی غیر صحیح و غیر عادلانه می‌کند که

فقط متوجه عده‌ای بسیار قلیل از ثروتمندان رباخوار است که با دادن وام و گرفتن ربح معین و تضمین شده مسیری را طی می‌کند که هدف آن تأمین مصلحت و نیازهای واقعی مردم نیست بلکه به وجود آوردن عواملی است که بالاترین رقم سود را داشته باشد، بسیاری از انسان‌ها را محروم ساخته و زندگی آن‌ها را به تباهی و فساد کشاند و اضطراب و ناامیدی و ترس را در زندگی بشری فراهم سازد.

راعی را آن که داده یا گرفته شود علاوه بر حرمت شرعی، دارای آثار سوء روانی اقتصادی و تجاری است و باعث ایجاد اخلال در روابط مالی افراد یک جامعه سالم می‌گردد. بدین ترتیب ضروری است جهت سالم‌سازی فضای اقتصادی جامعه اخذ یا پرداخت هر گونه ربا یا انجام معاملات ربوی ممنوع باشد.^۱

برپایه آموزه‌های فقهی، ربا بیع جنس به هم‌جنس در کیل یا موزون به شرط اضافه گرفتن و یا قرض دادن به شرط اضافه شدن است و معاملات ربوی در هر شکل آن باطل و دارای اعتبار نیست. البته چنانچه ربا دهنده کافر و رباگیرنده مسلمان باشد یا ربا بین پدر و فرزند یا زن و شوهر باشد، ربا محسوب نمی‌شود.^۲

^۱ حجتی، ۱۳۸۴.

^۲ طباطبائی، ۱۴۱۹ ه. ق.، ص ۲۷۹.

کهن‌ترین قوانین (مثل قانون حمورابی و قانون ماتیکان هزار داتستان^۱)، باورهای بزرگانی چون افلاطون و ارسطو و آموزه‌های دینی چون یهود و مسیحیت و پیشینه عملی مردم آتن، آشور، ایران، چین، روم و هند باستان بیانگر این واقعیت است که زشتی اصل رباخواری ویژه باور اسلامی یا مخصوص علم فقه نبوده و مبین تنفر عموم مردم از این رفتار زشت است.^۲

همان‌گونه که شدیدترین تعبیر قرآن در مورد مسئله ربا است، سند برین این و نفرین در روایات نقل شده از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز در خصوص ربا می‌باشد. مسئله حرمت ربا، چیزی است که فقهائ همه مذاهب اسلامی بر حرمت آن اجماع و اتفاق نظر دارند. به عقید شیخ لوسی (ره) همه فقها و علما به حرمت ربا قائل هستند و صاحب جامه اکرام فرموده است: «بحث در ربا است که از نظر قرآن و سنت و اجماع همه شیعیان، بلکه مسلمین حرام است. بلکه بعید نیست که حرمت آن از ضروریات و امور قطعی در دین باشد. پس هرکس از احلال شمارد در مرتبه افران است.»^۳ کما

^۱ ماتیکان هزار داتستان؛ به معنای «کتاب هزار رأی قضایی» کتابی است به تالیف دانیال و تنها سند و مدرک کامل موجود در خصوص نظام حقوقی دوره ساسانیان است. این متن گزیده‌ای از مباحث بسیار گوناگون در حقوق مدنی، از جهات دیگر از جمله اشاره به مناصب و عناوین دولتی، شرح وظایف قضات، ضابطین قانون، مجریان قانون، وکلا و غیره نیز دارای اهمیت ویژه است.

^۲ ر.ک: نورانی، ۱۳۹۰، صص ۳۳-۲۳

^۳ به نقل از علوی، ۱۳۷۹، صص ۳۹۷-۳۹۶

این که مرحوم امام خمینی (ره) در سخنی جامع در باب جایگاه و اهمیت ربا چنین اشاره می‌کنند: «حرام بودن ربا، به کتاب و سنت و اجماع همه مسلمانان، ثابت شده است، بلکه دور نیست که از ضروریات دین باشد و از گناهان کبیره»^۱.

عقل نیز ربا را ممنوع و حرام می‌داند. زیرا ربا از یکسو، موجب بجمع نامشروع ثروت در دست رباخواران می‌شود و با تمرکز ثروت به‌ویژه در میان اشراف و اعیان و احساس مسئولیت همراه نباشد، عامل فساد و انحراف خواهد بود و از سوی دیگر، میلیون‌ها انسان زحمت‌کش و مستمند که درآمدشان در دست رباخواران جذب می‌شود، گرفتار فقر و فلاکت و اسارت خواهند گردید و این پدیده شوم بسیاری از انحرافات اخلاقی و اجتماعی و در یک کلمه فساد را در همه زمینه‌ها با خود به همراه می‌آورد.^۲

حال با این شدت حرمت و این مبری از جرم‌انگاری ربا در آموزه‌های قرآنی و روایی، می‌توان با تشکیک در حدود شرعی حرمت ربا و جرم‌انگاری آن، ربا را در عصر حاضر رجا دانست؟ بی‌تردید این مباحث با توجه به شرایط اقتصادی کنونی بسیار مسترس مبادلات تجاری بین کشورهای مختلف اسلامی و غیراسلامی، رشد

^۱ موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۳۶

^۲ محمودی گلپایگانی، ۱۳۸۱، ص ۲۲

مفاهیمی مثل خسارت تأخیر تأدیه، افزایش تورم و قابل محاسبه بودن آن به وسیله آمارهای ارائه شده از سوی نهادهای و مراکز مورد اعتماد و ایجاد مؤسسه‌های مالی و اعتباری جدید مثل بانک‌ها و انواع تسهیلاتی که به مردم ارائه می‌کنند، ابعاد و گستره تازه‌ای یافته است.^۱ در خصوص احکام و کیفر رباخواری می‌توان گفت که لازم است مال مورد ربا به صاحب آن رد شود و اگر معلوم نبود باید از طرف مالک صدقه داده شود و اگر میزان ربا معلوم نباشد با صاحب آن معامله صورت گیرد و اگر ربا با مال حلال آمیخته شود و مالک ربا مشخص نباشد، خمس مال به افراد مستحق داده می‌شود و اگر رباخوار پس از توبه تمام اموالی را که از راه رباخواری بدست آورده باید به صاحبش بدهد. اگر توبه نکند و رباخواری را ادامه دهد، فردی فاسق است و زرد رباخوار که با علم و آگاهی از حرمت ربا آن را حلال بداند کافر منسوب می‌شود و مرتکبان ربا اعم از ربادهنده، رباگیرنده و واسطه بین آنها برابر ماده ۵۹۵ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵، ۶ ماه تا ۳ سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا، عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند.

^۱ میرمحمد صادقی، ۱۳۹۰، صص ۹-۱۰

در این میان، صرفنظر از حاکمیت آموزه‌های اقتصادی معاصر در باب تورم و کاهش قدرت خرید پول و طرح این مباحث تحت عنوان حیل‌های ربا از سوی برخی از فقها، برخی جرم‌شناسان و متولیان سیاست جنایی نیز با توجه به آموزه‌های جرم‌انگاری و جرم‌زدایی، جرم‌زدایی قانونی و حتی جرم‌زدایی عملی از بزه ربا را نیز مطرح می‌کند.

جرم‌انگاری ربا این‌گونه است که براساس آن قانونگذار از طریق تصویب قوانین، اعمالی را به جهت حفظ ارزش‌های اجتماعی و نظم عمومی و یا جهت دیگر، جرم‌المداد می‌کند. نقطه مقابل آن، جرم‌زدایی است که از این طریق صلاحیت تعیین و تحمیل ضمانت اجراها به عنوان واکنش علیه بعضی رفتارها در نظام کنونی گرفته می‌شود.^۱

از جمله مهم‌ترین معیارهای جرم‌انگاری عبارتند از:

- ۱- وجود یک رفتار نامطلوب یا مشکوک، قابل انتساب به اشخاص.
- ۲- توانایی نظام عدالت کیفری در مقابله با آن رفتار.
- ۳- در دسترس نبودن سازوکارهای غیرکیفری بهتر برای برخورد با چنین رفتارهای نامطلوب و مشکل‌ساز.

^۱ عبدالفتاح، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵

۴- سنگین نبودن هزینه‌های اجتماعی رفتارهای نامطلوب از منافع آن.^۱

تورم کیفری، انحراف ثانوی ناشی از مداخله روزافزون نظام عدالت کیفری، نزول شأن قانون و ایجاد نوعی حالت بی‌هنجاری یا خلا‌هنجاری و بی‌کیفری مجرمان از جمله آسیب‌های جرم‌انگاری بدون توجه به معیارها و اصول ناظر بر آن است. سوءاستفاده مقنن کیفری از نهاد جرم‌انگاری، خود به منزله دعوت به سرپیچی و نافرمانی از حقوق مجزا است، همانند استفاده بی‌رویه و نامعلوم از آنتی‌بیوتیک‌ها، این خطر را ایجاد می‌کند که جرائم شدید در حد بیش‌تری نسبت به تهدید ضمانت اجرای کیفری، غیرقابل نفوذ باشد.^۲

یکی از ویژگی‌های سیاست جنایی در مقوله دفاع اجتماعی، جرم‌زدایی است. جرم‌زدایی یعنی ردودن وصف مجرمانه از جرم و تفاوت آن با کیفرزدایی به این معنی است که کیفرزدایی زدودن یا تخفیف کیفر است، اما جرم‌زدایی، پیرایش وصف مجرمانه از یک جرم است. جرم‌زدایی که نشأت گرفته از تحول اعتقادات، آداب و رسوم یا عادات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی هر جامعه‌ای است؛ در تعریف ساده عبارتست از: زدودن برچسب و عنوان مجرمانه از یک عمل یا رفتار.^۳

^۱ گزارش کمیته ویژه مسائل جنایی شورای اروپا، ص ۱۶۸

^۲ لاورنس، ۱۳۷۹، صص ۸۶-۶۳

^۳ نجفی ابرنآبادی، هاشم بیگی، ۱۳۷۷، ص ۷۷

جرم‌زدایی به عنوان یکی از طرق مهم تقلیل عناوین مجرمانه، ممکن است به یکی از دو روش ذیل صورت پذیرد:

جرم‌زدایی قانونی: همان‌طوری که مجلس شورای اسلامی، به عنوان مرجع تقنینی کشور اختیار قانونگذاری در تمام مسائل کشور را دارد، همین مرجع قانونی می‌تواند دست به جرم‌زدایی زده و عملی را که سابقاً جرم تلقی کرده، فاقد این وصف نماید. مقنن ایرانی در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی جرم‌زدایی را مورد پذیرش قرار داده است.^۱

جرم‌زدایی عملی عبارت از پدیده تدریجی کاهش فعالیت‌های نظام عدالت کیفری در قس‌ برخی رفتارها یا اوضاع و احوال، هرچند رسماً و قانوناً در صلاحیت این نظام تغییری حاصل نشده باشد.^۲ برپایه گزارش شورای اروپا، جرم‌زدایی به سه شکل ذیل به رسمیت شناخته می‌شود:

به رسمیت شناختن قانونی و اجتماعی کامل رفتاری که از آن جرم‌زدایی شده است، یعنی شناسایی و قبول حق مبروح رای یک شیوه زیستن که قبلاً مخالف قانون تلقی می‌شد (جرم‌زدایی از نوع الف).
تغییر نظر در مورد نقش دولت در یک فلمرو معین؛ در این حالت دولت بی‌طرف می‌گردد (جرم‌زدایی از نوع ب).

^۱ غفاری، ۱۳۸۶، صص ۱۴۰-۱۴۲

^۲ European committee, report, P.13

رفتاری که مانند مورد قبل، کاملاً به رسمیت شناخته نشده است، لیکن در خصوص آن به افراد ذینفع اختیار داده می‌شود که خود با وضعیت نامطلوب مقابله کنند، مگر این که راه‌حل‌های دیگری پیش‌بینی شود که به نام یا بر پایه ابتکار مراجع دولتی اعمال شوند (جرم‌زدایی از نوع ج).

دو شکل اخیر جرم‌زدایی عملی در قسمت‌هایی با تجدیدنظری در نظام کیفری به عمل می‌آید، یکی می‌شود.^۱

مسئله را در رباخواری به عنوان یک عمل ناپسند اجتماعی و اقتصادی، هشتاد و سه به نوعی مبتلابه تمام جوامع بوده است. در ایران نیز با گسترش رکود و تورم اقتصادی و افزایش این جرم در سطح اجتماع، قانونگذار در ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ آن را عملی مجرمانه و در خمس مجازات دانسته است. با توجه به این که ربا موضوعی فقهی، حقوقی، اقتصادی و جرم شناختی است، کتاب حاضر از بعد فقهی؛ بر پایه آیات و روایات، تمرکز بر حاکمیت این فعل مجرمانه و استثنائات آن نگارش یافته و با پرداختن به مباحث حقوقی و اقتصادی آن، ابعاد جرم شناختی این بزه را در پرتو آموزه‌های فقهی، اقتصادی و جامعه شناختی ناظر بر جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی ربا در ایران، مورد نقد و بررسی قرار داده است.

^۱ فیروزی، ۱۳۸۵، ص ۲۹